



## بازشناسی آموزه‌های آئینی ورزش باستانی و جایگاه آن در تحکیم سرمایه اجتماعی در ایران

مسعود اخوان کاظمی<sup>۱</sup>، کامران لطفی<sup>۲</sup>

### چکیده:

ورزش باستانی یکی از ورزش‌های کهن و سنتی ایران زمین است که برخاسته از بستر تاریخی و فرهنگی این سرزمین بوده و همواره تأثیرات چشمگیری بر ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای جامعه داشته است. آنچه از ظاهر این ورزش به نظر می‌رسد، ساختن و تقویت جسم و محافظت از آن است؛ اما با بررسی جزئیات موجود در متن این ورزش و تأمل در آداب و ویژگی‌های آن، وجوه نهفته دیگری نمایان می‌گردد که آن را به منبعی ارزشمند در تولید و توزیع سرمایه اجتماعی تبدیل می‌سازد. در این راستا، سوال اصلی مقاله این است که ورزش باستانی با خصایص خود، چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی و فرهنگ جامعه ایران ایجاد می‌کند؟ پژوهش حاضر با بررسی آداب و آئین‌ها و جزئیات بخش‌های مختلف این ورزش و چگونگی شکل‌گیری و نحوه اجرای آن‌ها، به این نتیجه دست می‌یابد که ورزش باستانی در کنار تقویت بنیه جسمانی و قدرت بدنی، به دنبال تعلیم و آموزش خوی پهلوانی و ترویج و نهادینه کردن منش و رفتار انسانی و اخلاق دینی در متن جامعه است و از این طریق می‌تواند تأثیر بسزایی در فرهنگ جامعه و افزایش سرمایه اجتماعی آن داشته باشد و با در بر داشتن مولفه‌هایی همچون جوانمردی، افتادگی، ملی‌گرایی، روح حماسی و غیرت‌مندی، معتمد بودن و حمایت‌گری اجتماعی می‌تواند با تقویت و ترویج اعتماد و بازتولید سرمایه اجتماعی، در ایجاد همدلی و یکپارچگی جامعه نقش موثری ایفا کند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ورزش باستانی بر سرمایه اجتماعی با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

**واژگان اصلی:** ورزش باستانی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، فرهنگ، شبکه‌های اجتماعی.

۱. استاد و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

یکی از مهمترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه‌شناسان به مسئله سرمایه اجتماعی مربوط می‌شود و به همین جهت همواره در جهت ارتقاء تولید سرمایه اجتماعی و توزیع بهینه آن در جامعه و جلوگیری از فرسایش این سرمایه ارزشمند به اندیشه و تکاپو می‌پردازند. این نگرانی به‌ویژه در جوامع امروزی که دستخوش پدیده‌هایی همچون فردگرایی افراطی، گسترش شهرنشینی، کاهش اعتماد، تضعیف نهاد خانواده و پیوندهای فامیلی و رفاقتی، تمیزه شدن، تقلیل روابط انسانی در دوران گسترش ارتباطات مجازی و غیره گردیده‌اند، مضاعف شده است. اندیشمندان اجتماعی، کلید طلایی حل بسیاری از معضلات جامعه و حتی بحران‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را در گرو تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌دانند و به‌همین لحاظ همواره به راهکارها، تمهیدات و نهادهایی می‌اندیشند که می‌توانند به تعمیق و گسترش سرمایه اجتماعی کمک کنند.

یکی از نهادهایی که می‌تواند به سهم خود در توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی نقش موثری داشته باشد، نهاد ورزش است که کارآیی و تاثیر آن در دستیابی به این هدف در همه جوامع انسانی به اثبات رسیده است. ایرانیان نیز همواره در طول تاریخ تمدنی خود، به‌ورزش و نهادها و ساختارهای آن توجهی خاص مبذول داشته‌اند. یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین نهادهای ورزشی در ایران، نهاد زورخانه و ورزش باستانی است که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد. ایرانیان با این ورزش و سابقه تاریخی آن آشنایی دارند. ورزش زورخانه یکی از کهن‌ترین ورزش‌های جهان است که با نام و نشان، آداب و رسوم، زبان و خصلت‌های ایرانیان به دیگر کشورهای جهان راه یافته است.

با ظهور اسلام که بر ترویج ورزش‌هایی همچون سوارکاری، تیراندازی، شمشیربازی، کشتی، شنا و دو میدانی تاکید می‌ورزید، انواع ورزش‌ها رونق جدیدی پیدا کردند. پزشکان دوره اسلامی همچون ابن سینا و ابوبکر بخاری، شاگرد زکریای رازی، در آثار خود به اهمیت انواع ورزش‌ها در سلامت جسم و جان تاکید کرده‌اند؛ اما آنچه در نزد ایرانیان اهمیت داشت، تفاوت‌شان با یونانیان در نگاه و دیدگاه‌شان به ورزش بود. ایرانیان به ورزش از جنبه صرفاً تفریح، سرگرمی و تماشای آن نمی‌نگریستند؛ بلکه نزد آن‌ها ورزش نوعی آیین و رفتار اخلاقی، عامل بسط فضیلت انسانی، آیین جوانمردی، مردمداری، راستی و نیک رفتاری نیز به‌شمار می‌رفت و به نوعی، نگاه آن‌ها با اندیشه‌های المپیک نوین همانندی می‌کرد. همچنین در رویکرد ایرانیان به ورزش، همت، غیرت، نفرت از ترس، عشق به میهن، نجابت، بخشش، فتوت، جوانمردی، صبر و تحمل، دوستی و تفاهم، راستی، فروتنی، شجاعت و پاک نفس تاکید و ترویج می‌شد. ورزش با مذهب نیز پیوند تنگاتنگ داشته و ایرانی‌ها

ورزش را با هدف تعالی اخلاق و جوانمردی، عدالت گستری، ظلم ستیزی، مردم‌داری و راستگویی پی می‌گرفتند و در بسط ورزش و رواج این تعالیم به دیگر ملت‌ها از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند.

علاقه‌مندی ایرانیان به جوانمردی، پهلوانی، امانت‌داری و راستی و درستی موجب دوام یکی از آثار درخشان باستانی ایران، یعنی زورخانه و ورزش باستانی شده است. جایگاه زورخانه در پرورش شایسته‌ترین خصایص انسانی مانند جوانمردی، گذشت، ایثار، فداکاری، حس نوع‌دوستی و مبارزه با ظلم و جهل، رعایت اصول اخلاقی و فضایل انسانی و عدالت گستری تثبیت گردید. شاعران نامی چون فردوسی و سعدی در آثار ارزنده خود به این ورزش و قهرمانان آن اشاره کرده‌اند؛ تاجایی که آموزه‌های اخلاقی را در یکایک اعمال این ورزش باستانی می‌توان مشاهده نمود. احترام به پیشکسوت، رعایت اصول اخلاقی، دعا خواندن، رسیدگی به امور افرادی که نیاز به کمک دارند و تشویق ورزشکاران به ادب و نزاکت، در کنار پرورش جسمی از ویژگی‌هایی بارز این ورزش سستی است که آن را نه تنها از سایر بازی‌های بومی و محلی ایران بلکه از دیگر ورزشها و بازی‌های دنیا متمایز می‌سازد.

پل چارتیر<sup>۱</sup> متخصص بازی‌های بومی و سستی از کشور کانادا در اولین سمپوزیوم آشنایی با مبانی علمی و فرهنگی زورخانه‌ای می‌گوید: «نظامات ورزش باستانی نشان دهنده ترکیب کامل حرکات موزون، جوانمردی، زیبایی و نیکی است. این حرکات ذهن و روح را همانند جسم با خرد درستکاری و قدرت هماهنگ پرورش می‌دهند. از ورزشکاران خواسته می‌شود به عنوان نگهبانان ارزش‌های اخلاقی قومی و عارفانه ایرانی عمل کنند؛ آن‌ها از قدرتمندان دعوت می‌کنند تا با تواضع به اجتماع خود خدمت کنند. این ارزش‌ها نشان دهنده بالاترین سطح آرمان‌هایی است که یک انسان می‌تواند از آن پیروی کند. وفاداری، شجاعت، فداکاری، انسانیت، تواضع و دیگرخواهی این ارزش‌ها باعث جذب به سوی ورزش باستانی می‌باشند» (باستانی‌راد و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۰).

زورخانه در دوران پرفراز و نشیب تاریخ ایران در هدایت برخی جنبش‌های اجتماعی با ترویج فرهنگ فتوت و جوانمردی، نقش مهمی را بر عهده داشته است. نهاد زورخانه با کارکرد اجتماعی خود، نقش با اهمیتی را در حفظ هویت فرهنگی، یکپارچگی و ایجاد مشترکات فرهنگی محله‌ها و به تبع آن شهرها ایفا کرده است. هر چند آنچه از ظاهر این ورزش به نظر می‌رسد، ساختن جسم و محافظت از آن است؛ اما تأمل در آداب، جزئیات، محل انجام و موسیقی زورخانه، وجوهی دیگر در پس این ورزش را آشکار می‌سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا از خلال تحلیل

<sup>۱</sup>. Pol Chartier

ویژگی‌های این آیین ورزشی و کارکردهای اجتماعی آن و با استفاده از چارچوب نظری رابرت پاتنام در خصوص سرمایه اجتماعی، نقش و تأثیر این ورزش را در تحکیم و تعمیق و گسترش سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهد.

## ۲. مبانی نظری

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم چند وجهی علوم اجتماعی و از جمله سازه‌هایی است که در دهه‌های اخیر به عنوان مفهومی کلیدی در تبیین وجوه مثبت و منفی حیات اجتماعی از اقبال گسترده-ای برخوردار شده است. این مفهوم در اوایل قرن بیستم به صورت آکادمیک و علمی مطرح شد و از سال ۱۹۸۰ به متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی راه یافت. این اصطلاح را نخستین بار هانینن<sup>۱</sup> به کار برد و پس از آن، مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به شکل مستقل بازآفرینی شد. در دهه‌ی پنجاه میلادی، افرادی همچون سیلی<sup>۲</sup>، سیم<sup>۳</sup> و لوسی<sup>۴</sup> (۱۹۵۶) برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلپ‌ها و در دهه‌ی شصت، نظریه‌پرداز مبادلۀ هومنز<sup>۵</sup> (۱۹۶۱) و جاکوبز<sup>۶</sup> (۱۹۶۱) که برنامه‌ریز شهری بود، برای تأکید بر ارزش پیوندهای جمعی غیر رسمی همسایگی در کلان‌شهرهای جدید و در دهه‌ی ۱۹۷۰ لوری<sup>۸</sup> آن را به کار گرفتند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۵).

لوری اقتصاد دان همچون ایوان لایت<sup>۹</sup> جامعه‌شناس، اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را برای توصیف مشکل توسعه اقتصاد درون شهری به کار برد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰). از نظر لوری، سرمایه اجتماعی مجموع منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارند و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. به‌زعم کلمن<sup>۱۰</sup>، لوری مفهوم سرمایه اجتماعی را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند در توسعه انسانی وارد اقتصاد کرد (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۰). اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه هشتاد میلادی بود که به شدت مورد توجه قرار

Robert Putnam

Hanifen

Sally

Sim

Lucy

Homans

Jacobs

Lori

Liyt

Qoleman

گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده‌ای میان نظریه جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن (۱۹۸۸)، جامع‌شناس امریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) است؛ بوردیو، کلمن، پاتنام از جمله نظریه پردازان این مفهوم بودند. بوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را در دو دهه هفتاد و هشتاد میلادی گسترش داد و این مفهوم در نظریه بوردیو با تئوری طبقه او ارتباط دارد. از دیدگاه او، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع مادی یا معنوی که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهند تا شبکه‌ای پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده را برای آشنایی و شناخت متقابل در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱؛ تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاسی متفاوت از بوردیو، لین و کلمن به کار می‌برد؛ در حالی که تعریف او از مفهوم سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تاثیر کلمن می‌باشد. پاتنام وجود اشکال متفاوت سرمایه اجتماعی و ابعاد چندگانه آن را مورد تاکید قرار داده و گوناگونی مصادیق سرمایه اجتماعی را نزد نظریه پردازان، امری عادی می‌داند. او برای فهم و ارزیابی سرمایه اجتماعی به چهار وجه متمایز اشاره دارد؛ پاتنام در این رابطه، سرمایه اجتماعی رسمی را در مقابل غیررسمی، سرمایه اجتماعی متراکم را در مقابل سرمایه اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه اجتماعی درون‌نگر را در مقابل برون‌نگر، بر حسب اختصاص منافع به افراد عضو یا عموم مردم و نهایتاً سرمایه اجتماعی محدود را در مقابل اتصالی مطرح می‌سازد. سرمایه اجتماعی محدود، نوعی از سرمایه اجتماعی است که مردمی را که از جهات مهمی مثل قومیت، سن، جنسیت طبقه اجتماعی و نظایر آن شبیه به هم هستند به یکدیگر پیوند می‌دهند. این شکل از سرمایه اجتماعی در گروه‌های همگون دیده می‌شود که می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت انحصاری و تنگ نظر گردد. در مقابل، سرمایه اجتماعی اتصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب گردد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۷).

اندیشه‌های پاتنام حول محورهای سه‌گانه‌ای تحت عناوین شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای معامله‌ای متقابل یا بده‌بستان، و اعتماد می‌چرخد که برای تعریف سرمایه اجتماعی نیز از همین سه محور سودجسته است (ازکیا و غفاری ۱۳۸۳: ۵۲). به بیان او، سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها هنجارها و اعتماد اشاره دارد که می‌تواند کارایی جامعه

را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل کند و در نتیجه، تعاون خودانگیزخته از طریق سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود (توسلی، ۱۳۸۶: ۶؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مولفه به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آن‌ها عبارت‌اند از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد.

## ۲-۱. شبکه‌ها

یکی از عواملی که پاتنام بر آن تأکید دارد، موضوع سرمایه اجتماعی است که آن را راه حلی برای درمان مسائل حاصل از کنش جمعی می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۵۶). سرمایه اجتماعی در درون یک فرد یا سازمان اجتماعی نیست؛ بلکه در فضای ارتباطی بین افراد وجود دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲۸). پاتنام مانند دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات اجتماعی آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به‌عنوان خاستگاه دو مولفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. او با تفکیک شبکه‌های افقی یا مساوات‌طلب، از شبکه‌های عمومی یا انحصار طلب، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید. از نظر او شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی، انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب به دلیل آرایه چارچوب فرهنگی برای همکاری، مولد هنجارهای اعتماد و همیاری هستند. به‌عبارت دیگر، شبکه‌ی عمودی توجهی به‌میزان اعتماد همکاری بین اعضا ندارند. در مقابل، پاتنام شبکه‌ی روابط افقی را محل فعالیت و مشارکت مختارانه‌ی افراد معرفی می‌کند. شبکه‌ی روابط افقی شرایطی برای مشارکت رو در روی کنش‌گران در موقعیت‌های برابر خلق می‌کند. برخلاف سرمایه اجتماعی درون گروهی، سرمایه اجتماعی بین گروهی به‌گرد آمدن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی اشاره دارد. کنش جمعی و مشارکت مدنی نیز به‌درگیری شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی جامعه‌شان اشاره دارد و اغلب با درصد عضویت افراد در گروه‌ها و انجمن‌هایی هم چون کلیسا، اتحادیه‌های کارگری، تیم‌های ورزشی، جوامع آکادمیک و حرفه‌ای، و گروه‌های سیاسی سنچیده می‌شوند (Putnam, 1993: 173-174).

## ۲-۲. هنجارها

پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد. از نظر وی، ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم یافته است؛ به این معنا که من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی آنکه چیزی فورا در مقابل انتظار داشته باشم

و شاید حتی بی آنکه شما را بشناسم؛ با این اطمینان که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد. او در تعریف هنجار همیاری به دو نوع متوازن و تعمیم یافته اشاره می‌نماید؛ در نوع متوازن، با مبادله هم زمان چیزهایی با ارزش مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را باهم عوض می‌کنند، مواجه هستیم؛ اما همان گونه که اشاره شد، در نوع تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیرمتوازن است اما انتظارات متقابلی مبنی بر این که سودی که اکنون عطا شده در آینده باز پرداخت گردد، ایجاد می‌کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۷).

### ۲-۳. اعتماد

در حوزه جامعه‌شناسی، پیش کشیدن بحث سرمایه‌ی اجتماعی در دهه‌های اخیر به دلیل احساس خطر اندیشمندان از امتیزه شدن جامعه و محدود شدن روابط صمیمی و خزیدن مردم در لاک فرد گرایی افراطی بوده است (معید فرد و دربندی، ۱۳۷۸: ۲۳). هر جا سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر خواهد بود (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۱). اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش بینی-پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. اعتماد از نظر پاتنام برای تشریح سرمایه اجتماعی در صورتی تعریف می‌شود که باعث تسهیل همکاری شود (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۷).

### ۳. تاریخچه کهن‌ترین ورزش بدن‌سازی جهان

ورزش باستانی ریشه در آموزه‌های ادیان کهن ایرانی دارد؛ به‌عنوان نمونه، دین زرتشت به‌پيروان خود ابراز می‌دارد جسمی که ناخوش باشد، اهریمن در آن رخنه می‌کند و لذا فرد باید از طریق مبارزه با اهریمن، سلامتی خود را با پرورش تن حفظ نموده و روحیه سلحشوری را در خویش تقویت کند. در تعالیم اوستا نیز پرورش جسم یکی از فرائض محسوب می‌شود و مردمان باستان نیز در آموزش ورزش به‌فرزندان خود، اهتمام می‌ورزیدند. از اینرو، قرن‌ها پیش در طول تاریخ ایران کهن شاهد وجود ورزش‌های میدانی نظیر کشتی هستیم که هدف آن‌ها عمدتاً دستیابی به خوی پهلوانی و دلاوری بود. در همین زمینه گزنفون مورخ یونانی معاصر معتقد است که: «جوانان ایرانی از شانزده

1. Xenophon

سالگی، تیراندازی و زوبین‌پرانی و شکار و فلاخن‌افکنی می‌کنند و سلامت خود را از این راهکار و ورزش‌های نرم حاصل می‌کنند. ایرانیان به‌علت علاقه به کشتی و نیرومندی همیشه به جنگ تن به تن روی می‌آوردند. هنگام عزیمت به جنگ، تیر و کمان و نیزه با خود نمی‌برند؛ بلکه سلاح‌هایی که در جنگ تن به تن بکار رود بر خود می‌آریند، زرهی بر سینه، سپری بر بازوی چپ و کارد بلندی در دست چپ» (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

بعلاوه بر دوران باستانی، پهلوانی در دوره پس از اسلام با مفاهیم اسلامی ممزوج گشت؛ برای مثال، حضرت علی (ع) در آیین پهلوانی ایران پس از اسلام، به‌عنوان سمبل یک پهلوان کامل مطرح می‌شود. قهرمانان ایرانی نیز همچون پوریای ولی با تأسی از آموزه‌های اسلامی و متأثر از سیره و صفات نیک پهلوانی حضرت علی (ع)، سعی در پرورش جسم و روح خود داشته‌اند و تلاش نموده‌اند تا با سلوک پهلوانی خود در جامعه، مأمّن و تکیه‌گاهی برای مردم و ضعیفا باشند. برای مثال معروف است که پوریای ولی در یک مصاف کشتی با حریفی هندی، خود را بازنده نمود تا هم نفس خود را ذلیل نماید و هم حریف را به آرزویش که پیروزی در مقابل وی بود، برساند.

علاوه بر این، شباهت ابزارهای ورزش باستانی به ادوات جنگی و رزم افزارهای دوران قدیم نظیر سنگ که معادل سپر، کباده معادل کمان و میل که معادل همان گرز تلقی می‌شود، در تقویت روح و جسم مقام پهلوانی بسیار موثر می‌باشند. همچنین، باید به ویژگی‌های زورخانه با معماری هدفمند آن نیز اشاره نمود؛ از جمله اینکه گود زورخانه هشت ضلعی است به نیت امام هشتم، درب ورودی کوتاه است و نشان از تواضع ورزشکاران در ورود به این محل مقدس دارد؛ پایین بودن محل ورزش و نیز طرح ساختمان ورزشخانه که ریشه در معماری قبل از اسلام بویژه دوران اشکانی دارد با شکلی چند ضلعی و سقفی گنبدی که این سبک در دوران بعد از اسلام، تلفیقی از هنر ایرانی-اسلامی است. به علاوه اینکه، ورزشخانه‌ها را در قدیم مانند حمام‌ها و سردابه‌ها از سطح زمین پایین‌تر می‌ساختند و این بر اساس سنت مخفی بودن این اماکن بوده است؛ با دری کوتاه که برای ورود به آن خم می‌شدند. چون زورگری و پهلوانی ایجاد خودخواهی و کبر می‌کند و برای رفع نخوت و خودخواهی پهلوانان، درب کوتاه را لازم می‌دانستند.

شکل داخل زورخانه‌های سنتی اغلب هشت ضلعی است و هر ضلع آن شامل یک غرفه است و از این غرفه‌ها برای تماشاچیان و یا محل سنگ گرفتن و تعویض لباس استفاده می‌شد. سقف زورخانه‌ها اغلب گنبدی است که محل ورزش درست در زیر آن گود قرار دارد. گنبد را در

زورخانه، گذشته از جنبه معماری آن، نشانه‌ای از نیروی آسمانی و ارتباط با عالم بالا می‌دانسته‌اند. بنابراین، چرخیدن ورزشکاران در زیر گنبد، نوعی ارتباط متافیزیکی با گردش جهان خلقت است. زورخانه‌ها همیشه با پلکانی طولانی از زیرزمین به سطح خیابان می‌رسند و معمولاً در زیر بناهای دیگر، قرار می‌گیرند. موسیقی خاص طبل که وسیله‌ای برای تهیج سربازان در هنگام جنگ بوده است، مروج روحیه پهلوانی است که البته با قهرمانی و هدفمندی آن، یعنی پیروزی، متفاوت است. از این منظر، ورزش و اخلاق از دیر باز در فرهنگ ایرانی در پیوند با هم بوده‌اند و ورزش زورخانه‌ای برجسته‌ترین نمود این خصیصه نیکو در نزد ایرانیان است. به دلایل زیادی واضح است که ایرانیان از دوران باستان تا بعد از اسلام، همیشه جاها و مکان‌هایی برای انجام عملیات ورزش‌های سبک و پهلوانی خود داشته‌اند. این ورزش درس‌رزمین‌هایی که در یک حوزه تمدنی مشترک قرار داشتند، در ایران قدیم از آسیای میانه تا جنوب و غرب آسیا نظیر کشورهای هم‌چون تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هندوستان، عراق، آذربایجان و ترکیه، رواج داشته است.

#### ۴. ابعاد جامعه‌شناختی ورزش باستانی

باستانی‌کاری از ورزش‌های کهن ایران محسوب می‌شود که در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات هم در حرکات ورزشی و هم در مناسک و آداب این ورزش بوده است. اصطلاح زورخانه از زور و خانه تشکیل شده است؛ واژه زور ممکن است به معنی قوت و نیرو باشد یا به مفهوم آب مقدس زور که در خانقاه می‌نوشیدند. همچنین، در واژه خانه نوعی تقدس و احترام و ارزشمندی نهفته است. در ورزش باستانی زورخانه‌ای ابعاد و ویژگی‌های زیر را می‌توان مورد توجه ویژه قرار داد:

#### ۴-۱- ترویج هنجارهای سازمان‌مند در ورزش باستانی

نظم و انسجام و همبستگی و سامانمندی گروهی از جلوه‌های ویژه ورزش باستانی است. حرکات هماهنگ با دیگر ورزشکاران و بخصوص با مرشد و با ضرب‌بهانگ طبل، باعث تقویت انضباط فردی و گروهی و گسترش روحیه همکاری و هماهنگی با جمع می‌شوند. آداب مشخص ورود به زورخانه و حضور در جمع و رعایت هنجارهای مرتبط با این مکان مقدس و تلاش برای درونی‌سازی این هنجارها در بین ورزشکاران، فرد را به عضوی منضبط و متعهد به قوانین و

هنجارهای فردی و جمعی این ورزش مبدل می‌سازند.

#### ۴-۱-۱. ناسیونالیسم و روحیه حماسی-سلحشوری

علاقه به وطن از ویژگی‌های بارز این ورزش است؛ این خصیصه را می‌توان در همراهی اشعار حماسی ملی و میهنی با انجام حرکات ورزشی مشاهده کرد. از جمله اشعاری که با این ورزش همگام است، می‌توان به اشعار فردوسی که از شعرای نامی حماسه سرای ایران است، اشاره نمود. برخی از محققان غربی از قبیل کرام (۱۹۹۴) نیز به این امر اذعان کرده‌اند. زورخانه یا همان خانه قدرت در واقع یک سالن تربیت بدنی است که از دورانه‌های باستانی در ایران وجود داشته است؛ این ورزش نسل به نسل انتقال پیدا کرده و در طول زمان نیز تغییراتی به خود دیده است.

از این منظر، باستانی کاران معتقدند این ورزش متعلق به نیاکانشان است. از آنجا که باستانی کاری تنها ورزش رایج در گذشته بوده، جوانان جامعه اکثرا به سمت آن گرایش داشته‌اند. اعتقاد به ملی بودن و احساس تعلق نسبت به زورخانه در میان باستان کاران بسیار قوی بوده است؛ آن‌ها زورخانه را همان وطن می‌دانند و به این دلیل احترام زیادی برای وطن و به تبع آن برای زورخانه قائل می‌شوند. علاقه به وطن را در قوانین زورخانه هم می‌توان دید؛ به طوری که مرشد حتما باید قسمتی از اشعارش در وصف وطن یعنی ایران باشد. مرشد در این زمینه بر این باور است که این ورزش، ورزش ملی مذهبی ماست و زورخانه یعنی وطن، زورخانه یعنی ایران.

#### ۴-۱-۲. ترویج اخلاق اجتماعی با جوانمردی و فتوت

مقوله دوم جوانمردی است؛ واژه جوانمرد در زبان عربی معادل کلمه فتی است که جمع آن فتیان می‌باشد. این مقوله در واقع برخاسته از ویژگی‌ها و خلیقات باستانی کاران است. افتادگی و جوانمردی نه تنها در فعالیت‌های ورزشی و در گود زورخانه، که به خارج از آن یعنی به جامعه نیز سرایت کرده و تأثیرات مثبتی بر جای گذاشته است. افرادی که به ورزش باستانی روی آورده‌اند باید این ویژگی‌ها را بپذیرند در خود پرورش دهند و به اشکال گوناگون به آن عمل کنند چه در گود زورخانه و چه در میدان جامعه.

مرشد در زورخانه اشعاری که می‌خواند نقش به‌سزایی در عملکرد زورخانه دارد. اشعار مورد استفاده غالباً اشعار حماسی است که موجب ایجاد روحیه جوانمردی و دلاوری در افراد حاضر در زورخانه می‌شود. خواندن این اشعار در هر وعده ورزش چنان تاثیر گذار است که برای باستانی کاران درونی می‌شود؛ به صورتی که در هنگام خروج از گود و زورخانه این روحیه را با خود حفظ

کرده و زمانی که وارد جامعه می‌شوند، رفتار خود را مطابق با روحیه جوانمردی و دلاوری تنظیم می‌کنند؛ به‌نوعی می‌توان گفت که این اشعار برای حال و هوای زورخانه به مثابه یک تقویت‌کننده روحی است.

در واقع باستانی کاران، توانمندی را در زور بازو و ثروت نمی‌دانند بلکه در رعایت اصول مردانگی و عدم ریا و کبر می‌دانند؛ شجاعتی درونی مدنظر باستانی کاران است و شجاعت در مقابل ریا و غرور قرار دارد. آن‌ها معتقدند ورزشکاری می‌تواند بر این موارد چیره شود که خصایص مردانگی را رعایت کرده و با رعایت این اصول است که او شجاع و جوانمرد شمرده می‌شود و در جرگه باستانی کاران واقعی قرار می‌گیرد. مرشد در این باره می‌گوید مردانگی به قدرت و نیرو و مال نیست ما از مرد بودن در این ورزش به شجاعت می‌رسیم. شجاعت فقط ظاهر نیست، شجاعت در یک رنگی، عدم ریا و در تمام خصلت‌های مردانگی است (بوستانی و امینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

#### ۴-۱-۳. تقویت احترام در جامعه بواسطه افتادگی و تواضع

در این ورزش هر چه افتاده‌تر باشید بهتر است؛ در این جا احترام به بزرگترها بسیار مورد تأکید است و در واقع می‌توان گفت پیش‌نیاز ورود به این ورزش، فروتنی است. معماری زورخانه هم منطبق با این ویژگی طراحی شده است. مواردی مثل سر در کوتاه یا گود، هم نماد این فروتنی است. حضور در مکان زورخانه مستلزم احترام و خضوع خاصی است که فارغ از عناوین و اشخاص است. طراحی گود نیز بر صفت افتادگی و فروتنی تأکید دارد و یک متر پایین‌تر بودن در گود، دال بر افتادگی و تواضع است. پهلوان هر قدر هم قدرتمند باشد اما با رعایت این اصل به نوعی خود را به فروتنی و تمرین کنترل خشم عادت می‌دهد. این رفتار، تواضع در حین قدرتمندی را نشان می‌دهد؛ یعنی به‌رغم قدرتمندی، پهلوان و باستانی کار هیچ ادعای برتری ندارد بلکه خود را مانند مردم عادی چه بسا پایین‌تر جلوه می‌دهد. اغلب باستانی کاران پیشکسوت مورد احترام مردم هستند و این پیشکسوتان غالباً با فروتنی خودشان را عادی جلوه می‌دهند و حتی در انجام ورزش هم این نکته را رعایت می‌کنند و این خصلت را به داخل جامعه و در میان مردم نیز انتقال می‌دهند (امینی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

#### ۴-۱-۴. حمایتگری اجتماعی

مراد از حمایتگری اجتماعی مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که افراد زورخانه‌ای و باستانی کار در جامعه برای حمایت از افراد دارای مشکل چه بصورت فردی در غالب خلیقات پهلوانی، و چه

بصورت جمعی انجام می‌دهند. حمایتگری از درون زورخانه شروع می‌شود و به بیرون سرایت می‌کند. حمایت درونی زمانی است که برای مثال پهلوان در گود چرخ میزند و افراد دور او حلقه می‌زنند تا اگر مشکلی برای فرد پیش آمد به او کمک کنند که به زمین نخورد. این امر نمادی از حمایت است که در این مکان تمرین می‌شود تا افراد آن را در زورخانه و حتی جامعه سرلوحه کار خود قرار دهند. زورخانه در گذشته به‌عنوان پاتوق یا لنگرگاه عیاران محسوب می‌شد که در آن به بحث، تفکر و همچنین اقداماتی جهت گسترش کارهای عام المنفعه می‌پرداختند. امروزه هم افرادی که در زورخانه حاضر می‌شوند، در خارج از گود، مرادهایی با هم دارند. از آنجا که باستانی کاران از هر قشری از جامعه هستند، از قبیل بازرگان، افراد تحصیل کرده دارای موقعیت شغلی پرفوذ و غیره، این تنوع بالا با مناصب گوناگون، کار کمک‌رسانی و حمایتگری را تسهیل می‌کند.

جو زورخانه، فضایی حمایتی ایجاد کرده است و علاوه بر اینکه خود افراد زورخانه‌ای زیر این چتر حمایتی قرار می‌گیرند این سلوک به درون جامعه هم نفوذ کرده است. این حمایت‌ها در قالب تحت پوشش قرار گرفتن نیازمندان به خصوص کودکان بی‌سرپرست، یتیمان یا خریدارو برای بیماران و غیره است؛ اما نکته مهم این است که این کمک‌ها به صورت مخفیانه انجام می‌شوند؛ یعنی فرد کمک‌کننده به دلیل جوانمردی رضایت ندارد که دیگران متوجه حمایتگری او بشوند و حتی نمی‌خواهد افراد تحت پوشش او هم متوجه این امر شوند؛ او این سنت را به تبعیت از حضرت علی(ع) به جا می‌آورد که در شبهای تاریک به‌صورتی گمنام به نیازمندان کمک رسانی می‌کرد.

این فرهنگ کمک‌رسانی در خود زورخانه و میان باستانی کاران بسیار شایع است (بوستانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). حمایتگری اجتماعی در زورخانه اشکال گوناگون دارد که قالب اصلی آن مراسم گلریزان است که امروزه کم و بیش در همه نقاط ایران به اشکال مختلفی گسترده شده است. هرچند این شاخه‌های گوناگون اسمی ندارند و در واقع نوعی کمک کردن است اما کاملاً واضح است که از دل مراسم و فرهنگ گلریزان بیرون آمده‌اند. در واقع، حمایتگری محدود به منطقه یا افراد خاصی نیست بلکه با توجه به جهانی شدن و اطلاع از مشکلات سایر انسان‌ها در دیگر کشورها نیز اقداماتی در این زمینه صورت می‌گیرد. کمک گلریزان با هماهنگی پهلوان صورت می‌گیرد و کمک‌ها همواره به صورت پنهانی انجام می‌گرفته‌اند که ریا نشود و اصول جوانمردی رعایت گردد.

زورخانه به ایجاد یک فضای حمایتی در میان افرادی که ورزش زورخانه را انجام می‌دهند نیز کمک می‌کند. این جو حمایتی در قالب کمک‌هایی تقویت می‌شود؛ حال این کمک‌ها به صورت

آشکار و یا پنهان انجام می‌شوند اما بنظر می‌رسد کمک بصورت پنهانی اهمیت و ارزش بیشتری دارد؛ زیرا بیشتر به الگوی آن‌ها یعنی حضرت علی (ع) نزدیک‌تر است. کمک‌های دیگر در قالب رسوم گوناگون گلریزان امروز هم دارای شاخه‌های گوناگون شده و هم دامنه‌اش از سطح ملی فراتر رفته و به سطح جهانی رسیده که می‌توان گفت متاثر از پدیده جهانی شدن است.

#### ۴-۱-۵. مرام ساده زیستی

منظور از ساده زیستی همان سادگی در پوشش رفتار و زندگی ورزش کاراران باستانی است. هانری کربن نیز به این خصیصه در میان عیاران اشاره می‌کند. شعار عیاران این بوده است که «من مردی نداشت، فقیر و عیار پیشه‌ام، اگر نانی یابم بخورم و اگر نه خدمت عیاری جوانمردی کنم و اگر کاری کنم از برای نامی کنم نه نان». در واقع باستانی کاران در بسیاری از موارد از جمله ساده زیستی حضرت علی (ع)، تختی و پوریای ولی را الگوی خود در زندگی قرار می‌دهند. باستانی کاران تجمل گرایی و مدگرایی را به گونه‌ای ریاکاری می‌دانند و سعی می‌کنند از این امور به واسطه این که ریا می‌باشد دوری کنند و از سویی دیگر، سادگی را نه تنها در پوشش بلکه در زندگی و وسایل منزل هم رعایت می‌کنند (امینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

#### ۴-۱-۶. خوی غیرتمداری

غیرتمداری مقوله دیگری است که تاکید بر اهمیت ناموس و رعایت اصول اخلاقی نسبت به جنس مخالف دارد. گاسپاردویل در سفرنامه خود به ایران می‌نویسد: «عملیات ورزش و پای کوبی در بین ایرانیان بسیار مورد توجه است. زورخانه‌ای‌ها خود را امین ناموس مردم می‌دانند. وجود نام ائمه و همچنین وجود روحیه جوانمردی و پهلوانی در میان باستانی کاران موجب احترام به ناموس می‌شود؛ چرا که ائمه به ناموس احترام می‌گذاشتند و آن را محترم می‌شمردند. دین اسلام در اینجا حضور پیدا می‌کند که رابطه خارج از اخلاق را نهی می‌کند. همه این موارد باهم موجب می‌شود که ناموس مقوله‌ای مورد احترام در میان باستانی کاران باشد (امینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

از این منظر می‌توان چنین استنباط نمود که ادب و رفتار احترام‌آمیز یکی از برون‌دادهای ورزش باستانی در متن جامعه ایرانی می‌باشد؛ برای مثال، خصلت‌های مطلوبی در ورزش باستانی همچون رخصت گرفتن از سادات و پیشکسوتان برای ورود به گود زورخانه و انجام حرکات ورزشی و نمایشی و نیز کسب اجازه نمودن جوانان از بزرگان برای شروع چرخ در محل ورزش خود نماد و

<sup>1</sup>.Gaspard Drouville

کنایه از اجازه برای ورود به میدان جنگ، مبارزه و شهید شدن دارد که این موضوع خود حاوی پیام‌های غیرتمداری و حمایت از کیان کشور و ارزش‌های مقدس در جامعه است و به انتشار حس وفاداری و تعصب بر آب و خاک کشور در میان آحاد جامعه، مدد می‌رساند.

بعلاوه اینکه، حرکات هماهنگ ورزشی به‌مراه ترویج ارزش‌ها و هنجارها و اشعار دینی، جایگاه محوری امام علی در ورزش باستانی و اقتدای ورزشکاری به ایشان، لزوم ورود به گود با بدن پاک و طاهر، دعای دسته جمعی ورزشکاران و صلوات در همه زورخانه‌های کشور حکایت از تبدیل زورخانه به مسجد دوم شیعیان بعنوان یک پایگاه معنوی مضاعف دارد. تسری این امور در میان نوجوانان و جوانان خود می‌تواند به فرآیند جامعه‌پذیری و پذیرش ارزش‌های دینی و اخلاقی در بطن جامعه کمک نموده و نهادینه شدن آنها را تسهیل کند.

#### ۴-۲. شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی در ورزش باستانی

در ورزش باستانی نوعی سلسله مراتب در زورخانه‌ها تعبیه شده است؛ برای مثال مراتب نه گانه به ترتیب زیر است: رتبه یک که بعد از یک سال ورزش، مرشد برای ورزشکار منکری می‌فرستد و تا رتبه دوم و سوم و چهارم به ترتیب بعد از سه، شش و دوازده سال برای او صلوات می‌فرستد؛ در مرتبه پنجم بعد از پانزده سال و نیز در مرتبه ششم بعد از هجده سال ورزش کردن مرشد برای او ضرب می‌نوازد. همچنین در مراتب هفتم و هشتم و نهم پس از گذشت بیست و چهار، سی و دو و نیز چهل و پنج سال مرشد برای ورزشکار زنگ می‌زند. بر همین اساس، احساس تعلق ورزشکاران به زورخانه و شبکه ورزشکاران باعث ایجاد نوعی پیوند عاطفی و احساسی و نیز هویت بخشی به ورزشکار باستانی در طی تعداد سال‌هایی که در زورخانه ورزش می‌کنند، می‌شود.

از این منظر ما نوعی از شبکه‌سازی و پیوند انسانی، اخلاقی در ورزش باستانی را شاهد هستیم که انتقال آن بواسطه مرام ورزشی به بطن جامعه به خلق نوعی از سلسله مراتب و شبکه‌های انتزاعی می‌شود که با وام گرفتن از این مراتب و مفاهیم می‌توان الگویی مناسب را در عالم واقع ارائه نمود. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که در تاکید بر اینکه شبکه‌های اجتماعی ناقل و حامل اعتماد اند و میزان اعتمادپذیری است که افراد و گروه‌ها را درون یک شبکه‌ی ارتباطی اجتماعی به حرکت در می‌آورد، ورزش باستانی و زورخانه می‌تواند به‌عنوان محلی برای شکل‌گیری این شبکه‌ها و منبعی برای تولید و گسترش شاخصه اعتماد در جامعه عمل نموده و موجبات شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و گسترش آن را فراهم نماید. همانطور که گفته شد، شبکه‌های روابط افقی، محلی

برای فعالیت و مشارکت آزادانه افراد می‌باشند.

بر همین اساس، وجود عناصری در ورزش باستانی نظیر مرشد را می‌توان به‌عنوان تمثیلی از فرمانده میدان جنگ در یک نظام شبکه‌ای و سلسله مراتبی متصور نمود و سایر ورزشکاران نیز به‌عنوان رزمندگانی که هر کدام در مرتبه‌ای بالاتر از دیگری قرار گرفته و تجاربی را اندوخته‌اند و به مقضای مصلحت از آن بهره می‌گیرند. از اینرو، این شبکه‌همراه الهام بخش قیام‌های آزادی خواهی، جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش با تأسی از مرام و مسلک پهلوانی و زورخانه‌ای در راستای ظلم-ستیزی و حق‌ستانی ضعفا از زورمندان قلمداد شده است که این امر خود شبکه‌ای از وحدت، اتفاق نظر، پیوند و انسجام اجتماعی را در میان آحاد جامعه رقم می‌زند.

#### ۴-۳. تکوین نظام اعتمادپایه در بطن جامعه

محیط زورخانه و روابط حاکم بر آن، حول محور اعتماد شکل می‌گیرد. افراد زورخانه نسبت به هم اعتماد دارند و این حسن اعتماد نسبت به پیشکسوت و پهلوان بیشتر است. دیگران خود را به نوعی مرید او می‌دانند و در واقع پهلوان را در همه ابعاد قبول دارند، سخنان و نصایح او را می‌پذیرند؛ چراکه آن‌ها را راهگشای خود می‌دانند. اعتماد باستانی کاران نسبت به زورخانه و به تبع آن، پهلوانان، تا آن جا است که برای آن جایگاه والای معنوی قائل می‌شوند و معتقدند دعای پهلوان مقبول درگاه خدا می‌باشد. از آن رو که پهلوان اصول و خصایص مردانگی را رعایت می‌کند و کبر و غرور و دورویی نیز در خلیقات او جایی ندارد، نزد خداوند محبوب است. این محبوبیت حاصل رعایت اصول مردانگی و انجام کارها برای رضای خداست. اگر کاری را پهلوان برای رضای خدا انجام دهد و از روی کبر و غرور و ریا نباشد، خداوند او را امین مردم جلوه می‌دهد.

به دلیل جو حاکم بر فضای زورخانه، وجود اصول مردانگی و پهلوانی و سنت امانتداری در میان آن‌ها رشد یافته است. امانت داری هم در جنبه مادی هم در جنبه معنوی آن آشکار است؛ جنبه مادی از سپردن یک شیء شامل می‌شود تا پول؛ اما جنبه معنوی آن سپردن خانواده است و ارزش این به مراتب بیشتر از امانتداری مادی است و پهلوان انقدر در میان مردم مورد اعتماد است که او را به‌عنوان یک امانت دار واقعی می‌پذیرند و لذا منش او بر مردم و جامعه اثر گذار است (امینی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در این زمینه می‌توان به گروه عیاران اشاره نمود که طایفه‌ای از جوانمردان بودند که با تشکیل گروه‌هایی تقریباً منظم و سازمان‌یافته با پایبندی به آیینی خاص در رفتار و کردار، وظایف مهمی را در امور اجتماعی بر عهده داشتند که بنای کارشان عمدتاً بر جوانمردی بود و از

دروغ بیزار بودند؛ یکی از اصول عقاید عیاران نمک خواری بود که بر سر آن سفره که نمک خورده باشند، بد نکنند (اتونی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). الهام گرفتن ورزشکاران از این خصلت عیاران و ترویج آن در میان جامعه، خود می‌تواند به تکوین خرده نظام‌های اعتمادپایه منجر شود و در گستره‌ای بزرگتر، پیوندهای اجتماعی را وثیق‌تر نماید.

### نتیجه‌گیری

در خصوص برآیند این پژوهش، می‌توان چنین اذعان نمود که ورزش باستانی با خصایص ویژه خود می‌تواند تأثیر بسزایی بر ارتقا و تحکیم سرمایه اجتماعی و رشد فرهنگ اعتماد و ارتباطات و تقویت تعاملات در جامعه ایران داشته باشد. خصوصیت‌هایی نظیر ملی‌گرایی و حماسی بودن این ورزش، حب وطن را در میان ورزشکاران افزایش می‌دهد. افتادگی و جوانمردی و افزایش روحیه شجاعت در بین جوانان کشور و همچنین معتمد بودن از ویژگی‌های تحسین برانگیز در این ورزش می‌باشد. ترویج ساده زیستی در میان اقشار مختلف که پا در عرصه این ورزش باستانی می‌نهند، مشهود است؛ تاجایی که تلفیق این ورزش با مذهب می‌تواند کانون اتکای ارزشمند و تأثیرگذاری در تعمیق ارزش‌های جامعه باشد.

با این وجود، در دهه‌های اخیر به علت گسترش رسانه‌های مجازی و از بین رفتن مرزها در دهکده جهانی، ارزش‌هایی در بین قشر جوان گسترش یافته‌اند که به تدریج جایگزین سنت‌های گذشته می‌شوند و لذا جوانانی که به این ارزش‌ها روی می‌آورند، از لحاظ فکری و اخلاقی نسبت به نسل پیشین متفاوتند. در گذشته پیشکسوت‌ها از روی عشق و علاقه و نه برای درآمد و ثروت در زورخانه حضور می‌یافتند؛ اما امروزه جوانان به مسائل مادی، رتبه و مدال و شهرت قهرمانی بیشتر اهمیت می‌دهند. چنین فضائی مورد پسند ورزشکاران باستانی نیست؛ چراکه آن‌ها معتقدند که حرمت‌ها و اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی و ارزشهای دینی را همچنان باید بشدت پاس نهاد. سلطه ارزش‌های جدید، پیامدهایی از جمله ضعف اعتماد و کم‌رنگ شدن اصول جوانمردی را در پی دارد. در واقع می‌توان وضع موجود را همچون بازی دومینو تصور کرد که ریزش یک قطعه منجر به افتادن سایر قطعه‌ها می‌شود. از اینرو، نفوذ ارزش‌ها و قوانین ورزش‌های قهرمانی نوین، با ارزش‌های سنتی زورخانه‌ای نظیر عیاری و جوانمردی و پهلوانی در تقابل بوده و آن‌ها را سست نموده و به تبع آن، کارکردهای مثبت زورخانه در جامعه تنزل یافته است؛ به نحوی که امروزه

زورخانه در حال تبدیل از یک نهاد اجتماعی، ورزشی و اخلاقی به یک نهاد صرفاً ورزشی است. از آنجایی که که ماهیت زورخانه با نظام ورزش مدرن چندان سازگار نیست، لذا نیاز جدی به تجدید نظر در سیاست‌گذاری در مدیریت این نهاد ارزشمند است تا همچنان کارکردهای اجتماعی و اخلاقی آن حفظ شوند و این نهاد بتواند همچون گذشته نقش موثری را در ایجاد، تقویت و گسترش سرمایه اجتماعی ایفا نماید.

در مجموع با عطف به رهیافت نظری پاتنام، می‌توان ورزش باستانی و زورخانه را به‌عنوان یکی از شبکه‌های افقی ممکن معرفی نمود که در آن انواع فعالیت‌های مختارانه (داوطلبانه) و همیاری‌های گروهی شکل گرفته و این امر می‌تواند موجبات افزایش مشارکت در جامعه را فراهم نماید و در این فضای ارتباطی بین افراد، سرمایه اجتماعی جامعه نیز تقویت شده و رو به فزونی گیرد. در حقیقت، سرمایه اجتماعی معیارهای تعمیم‌یافته را بر می‌انگیزد و از طرفی دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر را برای افراد جامعه فراهم می‌نماید که این امر تقویت اعتماد و ارتباطات و تعاملات اجتماعی را به همراه داشته و در تداوم و انسجام جامعه تاثیر بسزایی خواهد داشت.

## منابع

- اتونی، بهزاد (۱۴۰۰). عناصر و سنت‌های عیاری در داستان رستم یکدست/ کُله دست براساس طومارهای نقالی و داستان‌های عامیانه پهلوانی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۹(۳۹)، ۲۱۰-۲۴۹.
- اربابی، علی (۱۳۹۰). آیین پهلوانی جوانمردی و عیاری. تهران: زوار.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- انصافپور، غلامرضا (۱۳۸۴). تاریخ و فرهنگ زورخانه. تهران: اختران.
- باستانی‌راد، حسن؛ حسینی، امیر؛ صیرفی، هایده (۱۳۸۵). تاریخ نامه ورزش ایران زمین. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک.
- بوستانی، داریوش؛ امینی زاده، سینا (۱۳۹۲). کاوش کیفی ورزش باستانی زورخانه: (مطالعه موردی: ورزشکاران شهر کرمان). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۲(۴)، ۱-۲۰.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن). ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: جامعه‌شناسان.
- پیراهری، نیر (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی در نظریات جدید. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۳(۳)، ۱۰۹-۱۳۱.
- توسلی، غلامعباس؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۲۶(۲)، ۱-۳۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظریه نظم اجتماعی. تهران: نی درکه، اسفندیار (۱۳۷۷). تاریخ و فرهنگ زورخانه. تهران: کتاب همراه.
- فرانسیس، فوکویاما (۱۳۷۹). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه: غلامعباس توسلی تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسن رضائی. تهران: نشر کویر.
- قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان-های استان اصفهان. رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۲۴۸-۲۲۵.
- کاظمینی، کاظم (۱۳۸۷). نقش جوانمردی و ایثار در تاریخ پهلوانی و دلیری ایران. تهران: نشر نی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گودرزی، محمود (۱۳۸۳). سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه در ایران باستان. حرکت، ۴(۲۲)، ۱۴۹-۱۷۰.

ولکاک، مایکل؛ بوردیو، پیر؛ کلمن، جیمز سمیونل؛ پورتس، آلهاندرو؛ تاجبخش، کیان؛ پانتام، رابرت؛  
افه، کلاوس؛ فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه.  
ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان. تهران: نشر شیرازه.

Putnam R.D (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy.  
Princeton NJ : Princeton University Press.